Bi-quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"

Vol. 16 | Issue 2 | Serial 32 | Spring & Summer 2024 | Pages 57-91
Research Paper | Received: 2024/06/15 | Accepted: 2026/04/09
10.30497/ies.2026.246503.2227

Designing a Qard al-Hasan Banking Facilities Index within the Framework of Interest-Free Banking: A Content Analysis and Best-Worst Method (BWM) Approach

Hossein Seilsepoor: Ph.D. Student in Finance, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author) hossein.seilsepoor@yahoo.com
Mohammad Javad Mohagheghnia: Assistant Professor, Department of Banking, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran mohagheghnia@atu.ac.ir
Shima Ahmadi: Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Financial Sciences, Khatam University, Tehran, Iran sh.ahmadi@alzahra.ac.ir
Ali Seilsepour: Ph.D. Student, Department of Financial Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran ali.seilsepoor@yahoo.com

Abstract

This study aims to design a measurable, index-based framework for evaluating the performance of Qard al-Hasan facilities within the Islamic banking system. The primary objective is to enhance financial ethics, social responsibility, institutional transparency, and process efficiency. Moving beyond normative descriptions, this research conceptualizes Qard al-Hasan indices as systematic analytical tools for institutional monitoring, ensuring the provision of Sharia-compliant, interest-free facilities oriented toward economic justice. Employing a two-stage exploratory mixed-methods design, the study first utilizes qualitative content analysis of semi-structured interviews with Islamic banking experts to extract key evaluation categories and subcategories. Subsequently, the Best-Worst Method (BWM) is applied to weight and prioritize these elements. Furthermore, practical operational metrics are proposed for each subcategory to facilitate regulatory monitoring and institutional assessment. Findings reveal that the overarching social objectives of Qard al-Hasan-namely poverty reduction, economic empowerment, and social justice-form the core of performance evaluation.

Additionally, institutional process quality, equitable resource allocation, and resource cycle sustainability are crucial for operational effectiveness. While not empirically assessing current bank performance, this study provides a weighted, policy-relevant framework for institutional evaluation, suggesting that future research validate and apply this index using quantitative banking data across interbank or cross-country contexts.

Keywords: Qard al-Hasan, Islamic Banking, Qualitative Content Analysis, Best-Worst Method (BWM), Performance Evaluation

JEL Classification: G21, D71, D02.

مطالعات اقتصاد اسلامی
سال شانزدهم | شماره دوم | پیاپی ۳۲ | بهار و تابستان ۱۴۰۳ | صفحات ۵۷- ۹۱
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰
مقاله مدت ۱۶ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

طراحی شاخص تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی در چارچوب بانکداری بدون ربا با رویکرد تحلیل محتوا و روش تصمیم‌گیری بهترین-بدترین (BWM)

حسین سیلسپور: دانشجوی دکتری مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hossein.seilsepoor@yahoo.com

محمدجواد محقق‌نیا: استادیار گروه بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران mohagheghnia@atu.ac.ir

شیما احمدی: استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت وعلوم مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران sh.ahmadi@alzahra.ac.ir

علی سیلسپور: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران ایران ali.seilsepoor@yahoo.com

چکیده

این پژوهش به طراحی و صورت‌بندی یک چارچوب شاخص‌محور و سنجش‌پذیر برای ارزیابی عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی در چارچوب بانکداری بدون ربا می‌پردازد و هدف اصلی آن تقویت اخلاق مالی، مسئولیت اجتماعی، شفافیت نهادی و کارایی فرایندهای مرتبط با قرض‌الحسنه در نظام بانکی است. در این مطالعه، شاخص‌های قرض‌الحسنه نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از مفاهیم هنجاری یا توصیه‌های کلی، بلکه به‌مثابه ابزاری تحلیلی برای پایش و ارزیابی نهادی عملکرد بانک‌ها در ارائه تسهیلات فاقد هرگونه زیادت مشروط و منطبق با اصول شریعت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرند. پژوهش از یک طرح آمیخته اکتشافی دومرحله‌ای بهره می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که در فاز نخست، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه بانکداری اسلامی، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه شناسایی و استخراج می‌شود و در فاز دوم، اهمیت نسبی این مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها با به‌کارگیری روش تصمیم‌گیری بهترین-بدترین (BWM) وزن‌دهی و اولویت‌بندی می‌گردد. علاوه بر این، برای هر یک از زیرمقوله‌های شناسایی‌شده، سنجه‌های اجرایی پیشنهادی ارائه می‌شود تا امکان عملیاتی‌سازی شاخص‌ها و استفاده از آن‌ها در فرآیندهای ارزیابی و نظارت نهادی فراهم گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر خبرگان، اهداف کلان اجتماعی قرض‌الحسنه، به‌ویژه کاهش فقر، توانمندسازی اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی، در کانون ارزیابی عملکرد این نهاد مالی قرار دارد و در کنار آن، کیفیت فرایندهای نهادی، عدالت در تخصیص منابع و پایداری چرخه منابع نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی قرض‌الحسنه بانکی ایفا می‌کنند. این پژوهش بدون ادعای ارزیابی تجربی عملکرد بانک‌ها، چارچوبی وزن‌دار، سنجش‌پذیر و سیاست‌پذیر برای ارزیابی نهادی تسهیلات قرض‌الحسنه ارائه می‌دهد و پیشنهاد می‌کند پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از داده‌های کمی بانکی و رویکردهای ترکیبی کیفی-کمی، اعتبارسنجی تجربی و کاربرد بین‌بانکی یا بین‌کشوری شاخص پیشنهادی را دنبال کنند.

واژگان کلیدی: قرض‌الحسنه؛ بانکداری اسلامی؛ تحلیل محتوای کیفی؛ روش تصمیم‌گیری بهترین–بدترین (BWM)

طبقه‌بندی JEL: G21, D71, D02

مقدمه

در نظام بانکداری اسلامی، تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی به‌عنوان یکی از ابزارهای مالی متمایز شناخته می‌شود که ریشه در مبانی فقهی، اخلاقی و اجتماعی اسلام دارد. ماهیت این تسهیلات مبتنی بر انتقال مال از ملک قرض‌دهنده و استقرار آن در ذمه قرض‌گیرنده، همراه با تعهد به بازپرداخت مثل یا قیمت و بدون هرگونه شرط زیادت یا منفعت است. ازاین‌رو، قرض‌الحسنه بانکی صرفاً یک قرارداد مالی نیست، بلکه به‌عنوان سازوکاری نهادی برای تحقق کارکردهای اجتماعی، کاهش نابرابری و تقویت همبستگی اقتصادی در چارچوب شریعت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد (طغیانی و صادق‌پور، ۱۳۹۵؛ یزدانی، ۱۳۹۰).

با وجود این جایگاه نظری، تجربه عملی بانکداری اسلامی در ایران، ذیل قانون عملیات بانکی بدون ربا، نشان می‌دهد که عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه با چالش‌های ساختاری و اجرایی متعددی مواجه است. محدودیت منابع، شرایط پولی و تورمی، ضعف در سازوکارهای تخصیص و نظارت، و فقدان ابزارهای منسجم برای ارزیابی عملکرد، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند به فاصله گرفتن اجرای عملی قرض‌الحسنه از اهداف مورد انتظار آن منجر شوند (محقق‌نیا، ۱۳۸۹؛ عرب‌مازار، ۱۳۸۵). تداوم این وضعیت نه‌تنها کارایی نهادی قرض‌الحسنه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه امکان پایش شفاف و پاسخ‌گوی عملکرد بانک‌ها در این حوزه را نیز محدود می‌سازد (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹).

یکی از مسائل اساسی در نظام بانکداری بدون ربا ایران، فقدان یک نظام شاخص‌محور منسجم برای سنجش و ارزیابی عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی است. نبود چنین نظامی موجب می‌شود ارزیابی این تسهیلات عمدتاً به قضاوت‌های کلی، گزارش‌های توصیفی یا معیارهای غیرهمسان محدود شود و امکان مقایسه‌پذیری، پایش مستمر و اصلاح‌پذیری عملکرد در سطح شبکه بانکی به‌طور نظام‌مند فراهم نباشد. این خلأ می‌تواند به کاهش شفافیت، تضعیف پاسخ‌گویی نهادی و انحراف تدریجی از کارکردهای فقهی و اجتماعی قرض‌الحسنه بینجامد (محقق، ۱۳۹۰؛ سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۶).

از این منظر، مسئله اصلی صرفاً فقدان فهرستی از شاخص‌ها نیست، بلکه نبود چارچوبی سنجش‌پذیر است که بتواند شاخص‌های مفهومی قرض‌الحسنه را به معیارهای قابل پایش، مقایسه و ارزیابی نهادی تبدیل کند.

طراحی شاخص‌های ارزیابی قرض‌الحسنه بانکی مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد فقهی، نهادی و عملیاتی این ابزار مالی است. تمرکز صرف بر هر یک از این ابعاد، بدون درنظرگرفتن سایر ملاحظات، می‌تواند به ارائه تصویری ناقص از عملکرد واقعی قرض‌الحسنه منجر شود. افزون بر این، بدون تعریف سنجه‌های اجرایی متناسب با هر یک از این ابعاد، شاخص‌ها در سطح مفهومی باقی مانده و قابلیت استفاده در فرآیندهای نظارتی و ارزیابی نهادی را از دست می‌دهند. ازاین‌رو، ضرورت دارد چارچوبی شاخص‌محور طراحی شود که ضمن سازگاری با مبانی فقهی قرض‌الحسنه، امکان عملیاتی‌سازی، وزن‌دهی و به‌کارگیری در پایش عملکرد بانکی را نیز دارا باشد (قائمی‌اصل و خلجی پیربلوطی، ۱۴۰۰).

در این مقاله، شاخص‌های طراحی‌شده به‌عنوان چارچوبی تحلیلی و سنجش‌پذیر برای پشتیبانی از ارزیابی‌های نهادی و طراحی سیاست‌های نظارتی در حوزه قرض‌الحسنه ارائه می‌شوند و به‌طور مستقیم برای تصمیم‌گیری اجرایی یا ارزیابی تجربی عملکرد بانک‌ها به‌کار گرفته نمی‌شوند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان مجموعه‌ای از شاخص‌های معتبر، منسجم و قابل کاربرد را برای ارزیابی عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی در نظام بانکداری بدون ربا ایران طراحی کرد؛ به‌گونه‌ای که این شاخص‌ها هم از نظر فقهی موجه باشند و هم از منظر نهادی و عملیاتی به معیارهایی سنجش‌پذیر و قابل استفاده در فرآیندهای پایش و ارزیابی عملکرد تبدیل شوند. این پژوهش در پی ارائه نسخه اجرایی کوتاه‌مدت یا مداخله مستقیم سیاستی نیست، بلکه هدف آن طراحی یک چارچوب شاخص‌محور وزن‌دار برای ارزیابی نهادی عملکرد قرض‌الحسنه است.

بر همین مبنا، پژوهش حاضر نمی‌کوشد مستقیماً قوانین یا تصمیمات اجرایی را تولید کند، بلکه به‌عنوان ورودی تحلیلی در فرآیند طراحی سیاست‌ها و چارچوب‌های نظارتی در سطح کلان بانکداری بدون ربا و نظام قرض‌الحسنه به‌کار می‌آید.

بر این مبنا، هدف اصلی پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی در ایران است. سؤال محوری پژوهش آن است که شاخص‌های کلیدی ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه از منظر فقهی، نهادی و عملیاتی کدام‌اند و وزن نسبی هر یک در چارچوب یک نظام سنجش منسجم چگونه قابل تعیین است. پاسخ به این سؤال می‌تواند زمینه لازم برای ارتقای شفافیت، بهبود پایش عملکرد و تقویت کارکرد نهادی قرض‌الحسنه در شبکه بانکی را فراهم آورد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. مبانی فقهی و نهادی قرض‌الحسنه

در ساختار اقتصاد اسلامی، قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از عقود بنیادین، جایگاهی متمایز و کارکردی چندبعدی دارد. واژه «قرض» در منابع لغوی به معنای «قطع کردن» آمده است؛ به این معنا که مقرض بخشی از مال خود را از دارایی خویش جدا کرده و در اختیار دیگری قرار می‌دهد. این معنای لغوی در اصطلاح فقهی به انتقال مال از ملک قرض‌دهنده و استقرار آن در ذمه قرض‌گیرنده تعبیر می‌شود، به‌گونه‌ای که ضمان بازپرداخت مثل یا قیمت مال بر عهده مقترض قرار می‌گیرد (محقق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴، ص۱۱۵).

در فقه اسلامی، قرض عقدی است که به‌موجب آن مال به دیگری تملیک می‌شود، مشروط بر آن‌که مقترض متعهد به بازگرداندن آن در آینده باشد. در این چارچوب، نیت طرفین به‌صورت دقیق قابل تفکیک است؛ به این معنا که مقرض مال را با قصد استرداد در آینده در اختیار قرار می‌دهد و این مقترض است که نیت و التزام بازپرداخت را بر عهده دارد. بر این اساس، قرض‌الحسنه نه صرفاً قرضی بدون بهره، بلکه عقدی است که فاقد هرگونه شرط زیادت یا منفعت برای قرض‌دهنده بوده و هر نوع انتفاع مشروط از آن در زمره ربا قرار می‌گیرد.

از منظر کارکردی، قرض‌الحسنه عمدتاً در موقعیت‌هایی به‌کار گرفته می‌شود که افراد برای تأمین نیازهای ضروری خود فاقد توان تحمل هزینه‌های مالی اضافی هستند. در این معنا، قرض‌الحسنه صرفاً یک جایگزین فنی برای حذف ربا نیست، بلکه نهادی است که بر مبنای منطق فقهی اسلام، امکان تأمین مالی غیرانتفاعی و محدود به نیازهای مشخص را فراهم می‌سازد.

به همین دلیل، این عقد واجد ساختاری حقوقی و الزام‌آور است که قابلیت پیاده‌سازی نهادی آن را در چارچوب بانکداری اسلامی ممکن می‌سازد (هادوی‌نیا، ۱۳۷۶، ص۱۹).

بر این اساس، هدف اصلی قرض‌الحسنه پاسخگویی به نیازهای فوری و ضروری از طریق تسهیلات غیرتجاری و فاقد انتفاع مشروط است. این ویژگی، قرض‌الحسنه را در اقتصاد اسلامی به نهادی اقتصادی با کارکرد اجتماعی مشخص تبدیل می‌کند؛ نهادی که امکان ترجمه ارزش‌های فقهی به سازوکارهای قابل ارزیابی و سنجش را در سطح نظام بانکی فراهم می‌آورد (محقق‌نیا، ۱۳۸۹، ص۱۴۲).

۱-۲. مخاطبان تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی

حذف ربا به‌عنوان یکی از اصول بنیادین اقتصاد اسلامی، در سطح نهادی مستلزم به‌کارگیری ابزارهایی است که امکان تأمین مالی بدون ایجاد رابطه انتفاعی را فراهم کنند. در این چارچوب، تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی به‌عنوان یکی از سازوکارهای نهادی پاسخ به نیازهای مالی غیرانتفاعی معرفی می‌شود. بااین‌حال، کارآمدی این ابزار مستلزم شناسایی دقیق مخاطبان آن و تفکیک کارکرد آن از سایر اشکال حمایت اجتماعی یا تأمین مالی انتفاعی است.

از منظر تحلیلی، متقاضیان بالقوه قرض‌الحسنه را می‌توان در نسبت با سه گروه کلی تفکیک کرد. گروه نخست، افرادی هستند که به دلیل ناتوانی پایدار در تأمین حداقل‌های معیشتی، نیازمند حمایت‌های بلاعوض یا سیاست‌های حمایتی مستقیم دولت‌اند. گروه دوم، افرادی هستند که بالقوه توانایی انجام فعالیت‌های اقتصادی سودآور را دارند، اما به دلیل فقدان سرمایه اولیه می‌توانند از ابزارهای انتفاعی یا مشارکتی بانکداری اسلامی بهره‌مند شوند. در میان این دو، گروهی قرار دارند که نه مشمول حمایت‌های بلاعوض هستند و نه امکان بهره‌گیری مؤثر از عقود انتفاعی را دارند، اما برای تأمین نیازهای اساسی یا فعالیت‌های خرد اقتصادی به منابع مالی محدود و کوتاه‌مدت نیازمندند.

تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی ناظر بر پاسخگویی به نیازهای مالی این گروه میانی است؛ گروهی که تأمین مالی آنان از طریق سازوکارهای غیرانتفاعی، هم با منطق فقهی قرض‌الحسنه سازگار است و هم با اهداف عدالت‌محور اقتصاد اسلامی هم‌راستایی دارد (محقق‌نیا و

همکاران، ۱۳۹۴، ص۱۲۳). این تفکیک، مبنای مفهومی مهمی برای طراحی شاخص‌های ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی فراهم می‌آورد.

در نظام بانکی ایران، پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، حساب‌های جاری و پس‌انداز قرض‌الحسنه به‌عنوان ابزار اصلی تجهیز منابع تعریف شدند. در این فرآیند، بانک به‌عنوان نهاد واسط، وظیفه تخصیص منابع به متقاضیان واجد شرایط را بر عهده دارد و درآمد حاصل از این فعالیت صرفاً در قالب کارمزد خدماتی مجاز تعریف می‌شود. ازاین‌رو، تخصیص منابع قرض‌الحسنه باید در جهت منافع عمومی و با اولویت پاسخگویی به نیازهای ضروری صورت گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص۵۷۸).

۱-۳. انگیزه‌های سپرده‌گذاران حساب‌های قرض‌الحسنه

کارآمدی حساب‌های قرض‌الحسنه به‌عنوان ابزار تجهیز منابع غیرانتفاعی، مستلزم شناخت دقیق انگیزه‌های سپرده‌گذاران است. منطق تجهیز منابع در قرض‌الحسنه با منطق سپرده‌گذاری سودمحور تفاوت ماهوی دارد و ارزیابی عملکرد بانک‌ها در این حوزه باید بر اساس معیارهایی متناسب با این تفاوت صورت گیرد.

از منظر انگیزشی، سپرده‌گذاران حساب‌های قرض‌الحسنه را می‌توان در چند گروه کلی طبقه‌بندی کرد. گروه نخست، افرادی هستند که با انگیزه‌های خیرخواهانه و مبتنی بر مسئولیت اجتماعی، منابع خود را بدون انتظار منفعت مالی در اختیار بانک قرار می‌دهند. گروه دوم، سپرده‌گذارانی هستند که انگیزه اصلی آنان حفظ امنیت منابع مالی و اطمینان از مشروعیت شرعی و ثبات نهادی بانک است. در کنار این دو، گروهی از سپرده‌گذاران با انگیزه‌های ترکیبی وارد این حساب‌ها می‌شوند و از امتیازات غیرانتفاعی مرتبط، مانند اولویت در دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه، بهره‌مند می‌گردند.

تنوع این انگیزه‌ها، اگرچه می‌تواند به افزایش مشارکت عمومی در تجهیز منابع کمک کند، اما در صورت فقدان تنظیم‌گری مناسب، ممکن است به انحراف از منطق غیرانتفاعی قرض‌الحسنه منجر شود. ازاین‌رو، شناخت و طبقه‌بندی انگیزه‌های سپرده‌گذاران، یکی از مبانی نظری ضروری برای طراحی شاخص‌های ارزیابی عملکرد تجهیز منابع قرض‌الحسنه بانکی به شمار می‌آید (محقق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴، ص۱۲۹).

۱-٤. پیشینه پژوهش

بخش قابل توجهی از ادبیات موجود به تبیین مفهومی، فقهی و اجتماعی قرض‌الحسنه در چارچوب اقتصاد و بانکداری اسلامی اختصاص دارد. در این طیف، قرض‌الحسنه عمدتاً در نسبت با منظومه فکری اسلام و اهداف عدالت محور اقتصاد اسلامی تحلیل شده و فراتر از یک ابزار مالی صرف، به‌مثابه نهادی اخلاقی و اجتماعی معرفی می‌شود. طغیانی و صادق‌پور (۱۳۹۵) با تمرکز بر مبانی نظری قرض‌الحسنه، آن را در پیوند با اخلاق مالی اسلامی و تقویت همبستگی اجتماعی بررسی کرده‌اند. یزدانی (۱۳۹۰) نیز با رویکردی اجتماعی اقتصادی، بر نقش انگیزه‌های معنوی و اخروی در تداوم و کارکرد قرض‌الحسنه تأکید می‌کند. ادراکی و همکاران (۱۴۰۲) با اتخاذ رویکردی کلان‌تر، آثار قرض‌الحسنه را در سطح متغیرهای اقتصادی تحلیل کرده و نشان می‌دهند که این ابزار، علاوه بر هم سویی با آموزه‌های اسلامی، در تعامل با ساختار اقتصادی نیز می‌تواند اثرگذار باشد. در امتداد همین نگاه نهادی، بخشی از پژوهش‌ها به توسعه نهادی و ابزارهای مالی نوین مبتنی بر قرض‌الحسنه توجه کرده‌اند. هادوی‌نیا و عرب بافرانی (۱۳۹۵) با بررسی اوراق قرض‌الحسنه، این ابزار را به‌عنوان یکی از اشکال توسعه‌یافته قرض‌الحسنه تحلیل کرده و بر ظرفیت آن در تأمین مالی فعالیت‌های عام‌المنفعه و اجتماعی تأکید می‌کنند. برآیند این دسته از مطالعات آن است که قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی نهادی اجتماعی اقتصادی با ریشه‌های اخلاقی و غیرانتفاعی است که منطق آن با سازوکارهای سودمحور متعارف تفاوت بنیادین دارد.

در کنار ادبیات مفهومی و هنجاری، طیف دیگری از پژوهش‌ها به نقش، کارکرد و چالش‌های اجرایی قرض‌الحسنه در چارچوب نظام بانکی اسلامی پرداخته‌اند و با فاصله گرفتن از سطح توصیف‌های کلی، بر نحوه پیاده‌سازی قرض‌الحسنه در ساختارهای نهادی، حقوقی و عملیاتی بانک‌ها تمرکز کرده‌اند. محقق‌نیا (۱۳۸۹) با تمرکز بر عملکرد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم جایگاه برجسته این عقد در آموزه‌های اسلامی، سهم آن از منابع و مصارف بانکی محدود باقی مانده است. این پژوهش محدودیت‌های ساختاری، قانونی و نهادی را از عوامل اصلی تضعیف نقش قرض‌الحسنه معرفی می‌کند و بر ضرورت بازنگری در چارچوب‌های اجرایی و تقویت اعتماد عمومی تأکید دارد. در همین راستا، جوزی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) با تحلیل قرض‌الحسنه از منظر فقهی و حقوقی، نقش

زیرساخت‌های نهادی در تجهیز و تخصیص منابع و نیز اهمیت پایبندی به اصول اولیه این عقد را برجسته می‌سازند. قائمی‌اصل و خلجی پیربلوطی (۱۴۰۰) با رویکردی فرایندمحور به چالش‌های عملیاتی اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخته و مدلی سه فازی برای افزایش شفافیت و کارایی ارائه می‌کنند. این پژوهش با پیشنهاد بهره‌گیری از فنّاوری‌های نوین، به‌ویژه زنجیره بلوکی، می‌کوشد بخشی از مشکلات مرتبط با انحراف در تخصیص منابع، عدم شفافیت و ناکارایی اجرایی را کاهش دهد. از منظر تاریخی و نهادی، موسویان و کشاورزیان (۱۳۹۹) روند تحول قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا را بررسی کرده و ضمن اشاره به گسترش بانک‌های تخصصی قرض‌الحسنه، چالش‌هایی مانند نحوه دریافت کارمزد، حدود مشروعیت آن و تنظیم رابطه بانک با سپرده‌گذاران را برجسته می‌کند. عرب‌مازار (۱۳۸۵) نیز با تحلیل داده‌های بلندمدت، کاهش سهم سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه را در کنار اثرهای تورم، رقابت ابزارهای سرمایه‌گذاری و رشد صندوق‌های قرض‌الحسنه از عوامل تضعیف جذابیت این ابزار در نظام بانکی معرفی می‌کند. در امتداد این جریان، محقق (۱۳۹۰) با تمرکز بر ارزیابی عملکرد بانکداری اسلامی، ضرورت طراحی شاخص‌های اختصاصی برای سنجش میزان انطباق عملیات بانکی با اصول شرعی را مطرح کرده و شاخص ربا را به‌عنوان یکی از اجزای ارزیابی عملکرد معرفی می‌نماید. جمع‌بندی این دسته از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی صرفاً ناشی از ضعف مبانی فقهی یا عدم مشروعیت شرعی نیست، بلکه ریشه در مسائل نهادی، ساختاری، انگیزشی و نظارتی دارد و همین امر ضرورت طراحی چارچوب‌های ارزیابی و شاخص‌های عملکردی متناسب با ماهیت قرض‌الحسنه بانکی را تقویت می‌کند.

بخش دیگری از ادبیات پژوهش به تعامل میان سیاست‌های پولی، نقش بانک مرکزی و کارکرد قرض‌الحسنه در نظام‌های بانکی اسلامی اختصاص دارد. محور اصلی این مطالعات آن است که ابزارها و چارچوب‌های سیاست پولی متعارف تا چه اندازه با منطق غیرانتفاعی، عدالت محور و ضدربوی قرض‌الحسنه سازگار هستند و چگونه می‌توان سیاست‌های پولی را به‌گونه‌ای طراحی کرد که به تضعیف این نهاد مالی منجر نشوند. سلیم و حسن[1] (۲۰۲۰)

1. Selim & Hassan

با تمرکز بر نقش بانک مرکزی به‌عنوان وام‌دهنده آخرین منبع، امکان اجرای سیاست پولی مبتنی بر قرض‌الحسنه را برای بانک‌های اسلامی و حتی بانک‌های متعارف بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد دسترسی بانک‌ها به منابع بدون سود بانک مرکزی می‌تواند توان وام‌دهی، حجم سپرده‌ها و تقاضای کل را افزایش داده و درنهایت به رشد تولید و اشتغال منجر شود. در سطح تطبیقی، احمد و همکاران[1] (۲۰۲۴) به بررسی موانع و ظرفیت‌های پذیرش بانکداری اسلامی در هند پرداخته و قرض‌الحسنه را به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای ارتقای فراگیری مالی و عدالت اجتماعی معرفی می‌کنند و نشان می‌دهند که علی‌رغم وجود تقاضای بالقوه، فقدان چارچوب‌های نهادی، حقوقی و سیاستی مناسب مانع بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های قرض‌الحسنه در اقتصادهای غیراسلامی شده است. اولادیمجی[2] (۲۰۱۶) با مقایسه نظام‌های بانکی متعارف و اسلامی، تفاوت هزینه استقراض را در حذف عنصر بهره و جایگزینی آن با مؤلفه‌هایی نظیر هزینه خدمات، هزینه‌های عملیاتی، صرف ریسک و جبران تورم تحلیل می‌کند و نتیجه می‌گیرد که قرض‌الحسنه در صورت طراحی نهادی مناسب می‌تواند بخشی از هزینه‌های تأمین مالی را کاهش داده و در خدمت اهداف رشد اقتصادی و کاهش فقر قرار گیرد. در مقابل، مزینی (۱۴۰۰) با رویکردی انتقادی، آثار سیاست‌های پولی انبساطی بر تضعیف سنت قرض‌الحسنه را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد افزایش نقدینگی و تورم از طریق کاهش ارزش واقعی پول، انگیزه سپرده‌گذاری و اعطای قرض‌الحسنه را تضعیف کرده و میان اهداف سیاست پولی رایج و منطق اقتصاد اسلامی نوعی تعارض ایجاد می‌کند. برآیند این بخش از ادبیات آن است که کارآمدی قرض‌الحسنه صرفاً تابع طراحی داخلی بانک‌ها نیست و به‌شدت از چارچوب‌های سیاست پولی، نقش بانک مرکزی و شرایط کلان اقتصادی اثر می‌پذیرد؛ بنابراین، چارچوب ارزیابی قرض‌الحسنه باید توان انعکاس اثرهای غیرمستقیم متغیرهای کلان و سیاستی را نیز داشته باشد.

طیف دیگری از مطالعات پیشینه، به امکان‌سنجی توسعه ابزارها و محصولات مالی نوین مبتنی بر قرض‌الحسنه در بانکداری اسلامی اختصاص دارد و می‌کوشد ظرفیت‌های نهادی و فناورانه این عقد را در مقیاس‌های گسترده‌تر بررسی کند. آدرمی و ایشاک[3] (۲۰۲۳) با تمرکز

---

1. Ahmad et al.
2. Oladimeji
3. Aderemi & Ishak

بر تأمین مالی جمعی اسلامی در مالزی، امکان‌پذیری استفاده از قرض‌الحسنه به‌عنوان ابزار حمایت از کسب‌وکارهای کوچک را بررسی کرده‌اند و نشان می‌دهند که اگرچه قرض‌الحسنه ذاتاً غیرانتفاعی است، اما در صورت طراحی نهادی مناسب و بهره‌گیری از بسترهای فناورانه می‌تواند به سازوکاری پایدار برای تأمین مالی خرد تبدیل شود. رچماواتی و همکاران[1] (۲۰۲۱) با بررسی تجربه اندونزی، پیشنهاد ایجاد سکوی دیجیتال ویژه برای ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه را مطرح می‌کنند که در آن بانک اسلامی نقش مدیریت منابع و نظارت بر تخصیص را بر عهده دارد و منابع از طریق کمک‌های اجتماعی، وقف نقدی و سازوکارهای جمعی تجهیز می‌شوند؛ درعین‌حال، موفقیت این مدل را منوط به شفافیت نهادی، تعریف منابع درآمدی مجاز برای پوشش هزینه‌های عملیاتی و اصلاح چارچوب‌های مقرراتی می‌دانند. نوگراهنی و محمد[2] (۲۰۲۳) نیز با تمرکز بر بانکداری اسلامی اندونزی، چارچوبی برای مدیریت منابع و مصارف قرض‌الحسنه پیشنهاد می‌دهند که مبتنی بر همکاری میان بانک‌های اسلامی و نهادهای خیریه است و تأکید می‌کند هم‌افزایی نهادی می‌تواند اثرگذاری قرض‌الحسنه را در کاهش فقر، بیکاری و نابرابری افزایش دهد، مشروط بر آنکه تجهیز، تخصیص و نظارت بر منابع ساختارمند باشد. در ادبیات داخلی، جعفری و شاه‌آبادی (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه در بانک‌های دولتی و خصوصی ایران را بررسی کرده و نشان داده‌اند متغیرهایی نظیر امنیت اقتصادی، حجم نقدینگی، میزان تسهیلات قرض‌الحسنه و نرخ پس‌انداز بر تجهیز منابع قرض‌الحسنه اثر معنادار دارند. همچنین، هادوی‌نیا و عرب بافرانی (۱۳۹۵) با بررسی اوراق قرض‌الحسنه، این ابزار را نوآوری مالی سازگار با شریعت معرفی می‌کنند که می‌تواند در تأمین مالی پروژه‌های عام‌المنفعه، بهبود مدیریت ریسک و افزایش شفافیت مالی نقش‌آفرین باشد. جمع‌بندی این دسته از پژوهش‌ها آن است که قرض‌الحسنه قابلیت تطبیق با ابزارهای نوین مالی و بسترهای فناورانه را دارد، اما تحقق این ظرفیت‌ها نیازمند چارچوب‌های نهادی شفاف، سازوکارهای نظارتی کارآمد و معیارهای ارزیابی دقیق است تا ماهیت غیرانتفاعی حفظ شود و هم‌زمان کارایی، پایداری و پاسخ‌گویی نهادی تضمین گردد.

---

1. Rachmawaty et al.
2. Nugraheni & Muhammad

در کنار ادبیات قرض‌الحسنه، بخش مهمی از پژوهش‌های بانکداری اسلامی به طراحی شاخص‌ها و چارچوب‌های ارزیابی عملکرد اختصاص دارد. محور مشترک این مطالعات آن است که ارزیابی بانکداری اسلامی صرفاً با معیارهای مالی متعارف کفایت ندارد و سنجش میزان انطباق عملیات بانکی با اصول شرعی، اهداف عدالت محور، حذف ربا و رعایت اخلاق اسلامی باید شاخص‌پذیر و قابل پایش شود. سیدنورانی و همکاران (۱۳۹۶) با هدف ارائه شاخص ترکیبی جامع برای ارزیابی وضعیت بانکداری اسلامی، با مرور منابع نظری و اخذ نظر خبرگان، به شناسایی و وزن‌دهی نماگرهای شرعی و اقتصادی اقدام کرده‌اند و ابعادی مانند حذف ربا، عدالت اقتصادی و رعایت اخلاق اسلامی را در مرکز شاخص قرار داده‌اند. حکیمی‌پور (۱۳۹۷) نیز با رویکرد پیمایشی، شاخص‌های کلیدی بانکداری اسلامی و ارزیابی موفقیت آن‌ها در ساختار بانکی ایران را با استفاده از پرسش‌نامه و نظر صاحب‌نظران و مدیران بانکی صورت‌بندی کرده و نشان می‌دهد میزان تحقق اصول بانکداری اسلامی در میان بانک‌ها متفاوت است. محققنیا و همکاران (۱۴۰۱) در امتداد رویکردهای عدالت محور، با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره، معیارهای مرتبط با عدالت را اولویت‌بندی کرده و نشان داده‌اند می‌توان اصول هنجاری و کیفی مانند عدالت را به وزن‌های کمی قابل مقایسه تبدیل کرد. با وجود ارزش روش‌شناختی این جریان، تمرکز غالب این مطالعات بر ارزیابی کلی نظام بانکداری اسلامی یا برخی اصول بنیادین بوده و قرض‌الحسنه عمدتاً به‌عنوان زیرمؤلفه‌ای در ارزیابی کلان مطرح شده است، نه به‌مثابه نهادی مالی اجتماعی مستقل با منطق و الزامات خاص خود.

برآیند ادبیات مرور شده نشان می‌دهد با وجود غنای نظری و تجربی مطالعات قرض‌الحسنه، خلأ معناداری در طراحی شاخص‌های اختصاصی، چندبعدی و قابل پایش برای ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی وجود دارد. بیشتر پژوهش‌ها یا بر آثار هنجاری و اجتماعی قرض‌الحسنه تمرکز داشته‌اند، یا آن را ذیل ارزیابی کلی بانکداری اسلامی تحلیل کرده‌اند و کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که عملکرد قرض‌الحسنه بانکی بر اساس چه ابعاد و معیارهایی و با چه سازوکار ارزیابی باید سنجیده شود. به‌ویژه، فقدان چارچوبی که به‌صورت هم‌زمان ابعاد فقهی، نهادی، عملیاتی، اجتماعی و پایداری منابع را پوشش دهد و وزن نسبی این ابعاد را بر مبنای قضاوت خبرگان تعیین کند، در ادبیات موجود محسوس است. در همین

چارچوب، پژوهش حاضر با تمرکز بر این خلأ، رویکردی شاخص محور اتخاذ می‌کند و با ترکیب تحلیل محتوای کیفی دیدگاه‌های خبرگان و روش تصمیم‌گیری بهترین- بدترین[1] برای وزن‌دهی ابعاد شناسایی‌شده، می‌کوشد چارچوبی نظام‌مند، سیاست‌پذیر و قابل مقایسه برای ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی ارائه دهد.

۲. سؤالات پژوهش

با اتکا به مبانی نظری و مرور پیشینه پژوهش، سؤالات این مطالعه با تمرکز بر «طراحی شاخص ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی» به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند:

- ✓ مقوله‌ها و زیرمقوله‌های کلیدی که باید در طراحی یک شاخص جامع برای ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی در چارچوب بانکداری بدون ربا لحاظ شوند، کدام‌اند؟
- ✓ وزن نسبی و اولویت مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی در چارچوب بانکداری بدون ربا، بر مبنای قضاوت خبرگان و با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری بهترین–بدترین، چگونه تعیین می‌شود؟

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، چارچوب روش‌شناختی بر مبنای «مدل پیاز پژوهش» ساندرز، لویس و ثرنهیل (Saunders, Lewis & Thornhill, 2016, p.138) تنظیم شده است. مطابق این مدل، طراحی تحقیق از لایه‌های سلسله‌مراتبی تشکیل می‌شود که در آن، تصمیم‌های هر لایه تحت تأثیر انتخاب‌های لایه بالاتر قرار می‌گیرد. لایه‌های اصلی این مدل شامل:

۱. مبانی فلسفی تحقیق،
۲. رویکرد تحقیق،
۳. روش‌شناسی تحقیق،
۴. استراتژی تحقیق،
۵. انتخاب روش،
۶. افق زمانی تحقیق و
۷. فن‌ها و رویه‌ها (شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها) است.

---

1. BWM

بر این اساس، پژوهش حاضر با یک طرح آمیخته اکتشافی دومرحله‌ای طراحی شده است؛ به‌گونه‌ای که در مرحله نخست، ابعاد و مؤلفه‌های شاخص تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی از طریق رویکرد کیفی استخراج می‌شود و در مرحله دوم، این مؤلفه‌ها با استفاده از یک روش تصمیم‌گیری چندمعیاره، اولویت‌بندی و وزن‌دهی می‌گردند. علاوه بر این دو مرحله، خروجی نهایی پژوهش به‌گونه‌ای صورت‌بندی شده است که امکان تعریف سنجه‌های اجرایی پیشنهادی برای هر زیرمؤلفه فراهم شود تا شاخص‌های استخراج‌شده از سطح مفهومی به سطح سنجش‌پذیر و قابل استفاده در ارزیابی و نظارت نهادی منتقل شوند

فاز اول: در مرحله نخست، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص تسهیلات قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا شناسایی و استخراج شده است. به‌منظور افزایش غنای داده‌ها و ارتقای روایی محتوایی، گردآوری داده‌ها در این فاز از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه بانکداری اسلامی انجام شده است. در موارد محدود، برای تکمیل و تعمیق داده‌ها، از بحث‌های گروهی کنترل‌شده با همان خبرگان استفاده شده که خروجی آن‌ها در فرآیند تحلیل محتوا به‌صورت یکپارچه با داده‌های مصاحبه‌ای تحلیل شده است.

فاز دوم: در مرحله دوم، به‌منظور تعیین اهمیت نسبی و اولویت مقوله‌ها و زیرمقوله‌های استخراج‌شده، از روش تصمیم‌گیری بهترین–بدترین استفاده شده است. در این فاز، معیارهای به‌دست‌آمده از فاز اول، مبنای طراحی پرسش‌نامه وزن‌دهی قرار گرفته و از طریق پیمایش خبرگان، وارد فرآیند وزن‌دهی شده‌اند. درنهایت، ساختار نهایی شاخص تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی بر اساس ترجیحات و قضاوت‌های خبرگان صورت‌بندی شده است. این وزن‌ها برای اولویت‌بندی سیاست‌های نظارتی و ارزیابی عملکرد قرض‌الحسنه در سطح سیاست‌گذاری و نظارت استفاده می‌شوند.

جدول ۱. تشریح فازهای پژوهش

فازهای پژوهش	اهداف هر فاز	روش / ابزار مورد استفاده	روش گردآوری	هدف
فاز اول	شناسایی و استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا	تحلیل محتوا	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و بحث گروهی کنترل‌شده	توسعه‌ای
فاز دوم	اولویت‌بندی و وزن‌دهی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شاخص قرض‌الحسنه بانکی	روش بهترین– بدترین	پیمایش	کاربردی

۳-۱. تحلیل محتوا

تحلیل محتوا در پژوهش حاضر به‌عنوان استراتژی اصلی فاز کیفی به کار گرفته شده است. کریپندورف[1]، تحلیل محتوا را راهبردی پژوهشی معرفی می‌کند که با اتکا به روش‌های علمی، امکان استخراج مفاهیم معتبر و تکرارشونده از متن را فراهم می‌سازد و می‌تواند به افزایش دانش، تولید بینش‌های تازه و ارائه تصویری دقیق از واقعیت منجر شود (کریپندورف، ۱۳۸۸، صص۲۵–۲۶). همچنین شی یه و شانون[2] (۲۰۰۵) تحلیل محتوا را روشی انعطاف‌پذیر در پژوهش کیفی می‌دانند که طیفی از رویکردهای تفسیری تا تحلیل‌های نظام‌مند متنی را در برمی‌گیرد (Hsieh & Shannon, 2005, p. 1277).

جامعه هدف در فاز کیفی، خبرگان دارای دانش تخصصی و تجربه حرفه‌ای در حوزه بانکداری اسلامی بوده‌اند؛ ازجمله کارشناسان بانکی، اعضای هیئت علمی و پژوهشگران مرتبط با این حوزه. معیار ورود به نمونه شامل داشتن دست‌کم پنج سال سابقه حرفه‌ای یا دانشگاهی مرتبط در حوزه بانکداری یا اقتصاد اسلامی بوده است. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و مبتنی بر معیار خبرگی انجام شد و حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین گردید؛ به این معنا که گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدید به توسعه یا تعمیق مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها کمکی نکند (Glaser & Strauss, 1986, p.30).

---

1. krippendorff
2. Hsieh & Shannon

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و حرفه‌ای مصاحبه‌شوندگان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
سابقه فعالیت حرفه‌ای	کمتر از ۵ سال	۲	۸
	۵ تا ۱۰ سال	۷	۲۹
	۱۰ تا ۱۵ سال	۱۳	۵۴
	بیش از ۱۵ سال	۲	۸
سطح تحصیلات	کارشناسی‌ارشد	۱۳	۵۴/۱۷
	دکتری	۱۱	۴۵/۸۳
جمع کل	—	۲۴	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی ویژگی‌های حرفه‌ای و تحصیلی مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد که ترکیب نمونه پژوهش از منظر سابقه فعالیت، سطح تحصیلات و تجربه تخصصی، واجد کفایت لازم برای ایفای نقش خبرگی در استخراج مقوله‌ها و ارزیابی شاخص تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی است.

در این مطالعه، متن مصاحبه‌ها به‌صورت مکرر مرور شد و در مرحله کدگذاری باز، یادداشت‌برداری‌های تحلیلی در حین مطالعه داده‌ها انجام گرفت. این یادداشت‌ها در چندین نوبت بازبینی شدند و مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها به‌تدریج شکل گرفتند. کدگذاری و تجمیع داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo انجام شد و ساختار مقوله‌ای پژوهش در یک فرآیند بازگشتی تثبیت گردید (Elo & Kyngäs, 2008).

به‌منظور اطمینان از روایی و اتکاپذیری تحلیل محتوای کیفی، چند راهبرد مکمل به‌کار گرفته شد. در گام نخست، طراحی راهنمای مصاحبه و چارچوب اولیه تحلیل بر مبنای ادبیات نظری قرض‌الحسنه و بانکداری اسلامی انجام و پیش از اجرا توسط خبرگان حوزه مورد بازبینی قرار گرفت. در گام دوم، فرآیند کدگذاری به‌صورت رفت‌وبرگشتی و همراه با ثبت و مستندسازی تصمیم‌های تحلیلی در نرم‌افزار NVivo انجام شد تا امکان ره‌گیری مسیر استخراج کدها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها فراهم باشد. در گام سوم، کفایت داده‌ها بر اساس اصل اشباع

نظری تعیین گردید؛ به‌گونه‌ای که پس از مصاحبه هجدهم، ظهور کد یا مقوله جدید متوقف شد. تشخیص اشباع نظری بر اساس پایش تدریجی ظهور کدها انجام شد؛ به‌گونه‌ای که پس از مصاحبه هجدهم، در دو نوبت متوالی مصاحبه جدید، کد یا زیرمقوله تازه‌ای شناسایی نشد و داده‌های بعدی صرفاً در جهت تثبیت و تأیید ساختار مفهومی موجود به‌کار رفتند. درنهایت، ساختار نهایی مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها پیش از ورود به فاز کمی، مجدداً توسط خبرگان بررسی و تأیید شد.

برای افزایش اتکاپذیری تحلیل محتوای کیفی، فرآیند کدگذاری توسط دو کدگذار مستقل انجام شد. به‌این‌ترتیب، حدود ۲۵ درصد از متن مصاحبه‌ها (۶ مصاحبه از مجموع ۲۴ مصاحبه) به‌صورت دوگانه کدگذاری شد. میزان توافق میان کدگذاران با استفاده از ضریب کاپای کوهن محاسبه گردید که مقدار آن برابر با ۰/۷۹ به‌دست آمد و بیانگر سطح مطلوب توافق و پایایی بین‌کدنویس (میزان همسانی نتایج حاصل از کدگذاری توسط ارزیابان مختلف)در استخراج کدها و مقوله‌هاست. اختلاف‌نظرهای محدود میان کدگذاران از طریق بحث و بازبینی مشترک برطرف شد و نسخه نهایی کدگذاری بر مبنای اجماع تثبیت گردید.

روایی محتوای راهنمای مصاحبه و پرسش‌نامه وزن‌دهی به روش بهترین–بدترین در دو مرحله و با مشارکت چهار نفر از خبرگان حوزه بانکداری اسلامی بررسی شد. در مرحله نخست، محورها و پرسش‌های مصاحبه از نظر شفافیت مفهومی، هم‌پوشانی و انطباق با اهداف پژوهش بازبینی و اصلاح گردید. در مرحله دوم، نسخه اصلاح‌شده ابزارها مجدداً در اختیار خبرگان قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات نهایی، ابزارها از نظر روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفتند. پس از تکمیل کدگذاری، مقوله‌های استخراج‌شده بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهومی دسته‌بندی شدند تا چارچوبی منسجم برای ورود به فاز وزن‌دهی فراهم شود.

استخراج مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ناظر بر بعد فقهی، مبتنی بر متون معتبر فقهی، قران و روایات اسلامی انجام شده است و مصاحبه‌های خبرگان در این بعد، نقش تکمیلی در تبیین، صورت‌بندی و ترجمه عملیاتی این اصول به شاخص‌های قابل سنجش ایفا کرده‌اند، نه ایجاد مستقل معیارهای فقهی. شرایط قرض دادن در اسلام ازجمله اصول بنیادین قرض‌الحسنه هستند که در متون دینی و روایات اسلامی به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته‌اند. برخی از این

شرایط عبارت‌اند از: انظار معسر (منتظر بودن برای بازپرداخت از فرد معسر)، تحلیل میت (پیش‌بینی بازپرداخت در صورت فوت بدهکار)، عودت به‌موقع (بازپرداخت به‌موقع و بدون تأخیر)، حسن القضا (پایبندی به رفتار عادلانه در اقامه قرض)، قرض گرفتن از اهلش (قرض گرفتن تنها از افراد شایسته) و مکروه بودن قرض گرفتن از دیگران در صورتی که در توان فرد نباشد. همچنین، قرض از مال حلال یکی از مهم‌ترین شرایط فقهی در اعطای قرض است. این اصول به‌وضوح در قرآن و احادیث معتبر آمده و در تعاملات مالی اسلامی مورد توجه ویژه قرار دارند. علاوه بر این، در روایات اسلامی تأکید شده که قرض‌الحسنه باید بدون هرگونه شرط اضافی و تنها به‌منظور کمک به نیازمندان ارائه شود تا هدف اصلی آن که همان رفع فقر و حمایت از افراد نیازمند است، محقق گردد (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۹؛ سید نورانی، ۱۳۹۶؛ Hassan, 2013; Fatemi, 2015). این اصول در سه مرحله وارد فرایند شاخص‌سازی شدند: نخست در طراحی راهنمای مصاحبه، دوم در سازمان‌دهی گزاره‌های استخراج‌شده در قالب زیرمقوله‌ها، و سوم در فاز وزن‌دهی از طریق روش تصمیم‌گیری بهترین–بدترین. بدین‌ترتیب، اصول فقهی نه‌تنها مبنای مفهومی، بلکه مبنای عملیاتی طراحی شاخص‌های ارزیابی عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه بانکی قرار گرفتند.

خروجی نهایی فاز کیفی شامل مجموعه‌ای از مقوله‌ها و زیرمقوله‌های تعریف‌شده با شرح مفهومی و قابلیت سنجش بود که به‌عنوان ورودی فاز کمی و مبنای طراحی سنجه‌های اجرایی پیشنهادی برای ارزیابی نهادی عملکرد قرض‌الحسنه بانکی مورد استفاده قرار گرفت.

۳-۲. روش بهترین- بدترین

در فاز دوم پژوهش، برای تعیین وزن و اولویت مقوله‌ها و زیرمقوله‌های استخراج‌شده از فاز کیفی، از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین–بدترین استفاده شد. این روش با کاهش تعداد مقایسه‌های زوجی و افزایش سازگاری قضاوت‌ها، امکان وزن‌دهی دقیق‌تر معیارها را فراهم می‌کند (Rezaei, 2015).

در پژوهش حاضر، خروجی فاز اول مبنای طراحی پرسش‌نامه وزن‌دهی قرار گرفت و پرسش‌نامه بهترین–بدترین بر اساس مقوله‌ها و زیرمقوله‌های نهایی تدوین شد. گردآوری داده‌های این فاز با رویکرد پیمایشی انجام گرفت و محاسبات وزن‌ها با استفاده از نرم‌افزار

LINGO صورت پذیرفت. روایی ابزار وزن‌دهی از نوع روایی محتوا و پایایی قضاوت‌ها از طریق نسبت سازگاری روش بهترین–بدترین بررسی و تأیید شد. پایایی قضاوت‌های خبرگان در روش بهترین–بدترین از طریق محاسبه نسبت سازگاری بررسی شد. نتایج نشان داد نسبت سازگاری در هر دو سطح مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌ها در دامنه قابل قبول قرار دارد؛ به‌طوری که مقادیر به‌دست‌آمده در بازه ۰/۰۲ تا ۰/۰۸ و با میانگین حدود ۰/۰۵ قرار گرفت. این نتایج، سازگاری مطلوب قضاوت‌های خبرگان و اعتبار وزن‌های محاسبه‌شده را تأیید می‌کند. وزن‌های به‌دست‌آمده از روش بهترین- بدترین قابلیت به‌کارگیری در قالب یک الگوی امتیازدهی نهادی را دارند؛ به‌گونه‌ای که با ترکیب این وزن‌ها با مقادیر سنجه‌های اجرایی هر زیرمقوله، امکان محاسبه امتیاز هر بعد و امتیاز کل عملکرد قرض‌الحسنه در سطح نهادی فراهم می‌شود. بدین‌ترتیب، وزن‌ها صرفاً بیانگر اولویت‌های نظری نیستند، بلکه مبنایی تحلیلی برای پشتیبانی از ارزیابی نهادی و طراحی سیاست‌های نظارتی در حوزه قرض‌الحسنه به شمار می‌آیند.

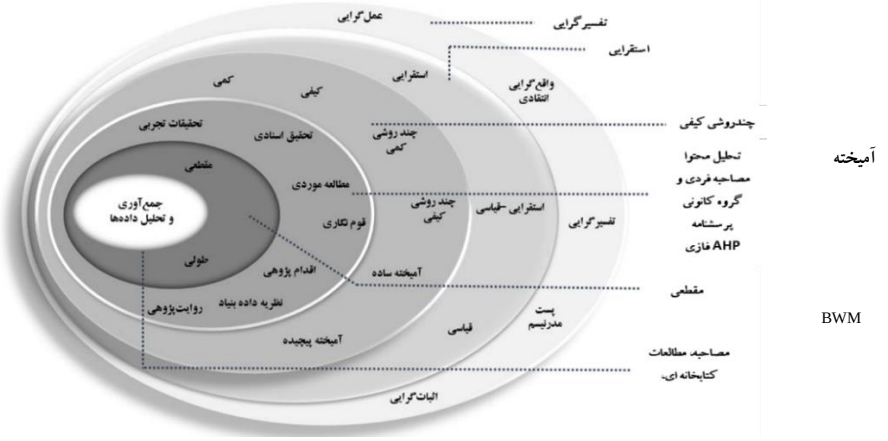

تصویر ۱. شمای کلی روش‌شناسی پژوهش

منبع: (Saunders, Lewis & Thornhill, 2016)

٤. تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها

یافته‌های پژوهش متناسب با طراحی دوفازی تحقیق ارائه می‌شود. در فاز نخست، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و جلسات گروه کانونی، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی شاخص قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا شناسایی و

استخراج شد. در این مرحله، برای اطمینان از جامعیت و تمایز ابعاد، چارچوب نهایی در چهار بعد ثابت و غیرهم‌پوشان «فقهی»، «نهادی»، «عملیاتی» و «اجتماعی» تثبیت شد؛ به‌گونه‌ای که بعد فقهی ناظر بر انطباق شرعی قرارداد و فرایندها، بعد نهادی ناظر بر قواعد تخصیص و حکمرانی، بعد عملیاتی ناظر بر کارایی اجرا و پایداری چرخه منابع، و بعد اجتماعی ناظر بر پیامدهای عدالت محور و فراگیری مالی است. در فاز دوم، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های استخراج‌شده با اتکا به قضاوت خبرگان و به‌کارگیری روش تصمیم‌گیری چندمعیاره بهترین–بدترین وزن‌دهی و اولویت‌بندی شد تا ساختار شاخص به‌صورت سنجش‌پذیر و قابل پایش در سطح سیاست‌گذاری و ارزیابی نهادی صورت‌بندی شود.

ازاین‌رو، یافته‌های این پژوهش صرفاً «فهرست شاخص» نیست، بلکه یک چارچوب وزن‌دار برای اولویت‌دهی نظارتی و طراحی نظام ارزیابی نهادی قرض‌الحسنه است؛ بدون آنکه مدعی سنجش تجربی عملکرد بانک‌ها در این مقاله باشد.

در این مطالعه، پس از انجام ۱۸ مصاحبه اشباع نظری حاصل شد؛ بااین‌حال، به‌منظور اطمینان از کفایت داده‌ها و افزایش اعتبار نتایج، فرایند گردآوری داده‌ها تا ۲۴ نفر از خبرگان حوزه بانکداری اسلامی ادامه یافت. انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهای خبرگی انجام شد؛ ازجمله سابقه حرفه‌ای و تخصص مرتبط در حوزه بانکداری اسلامی. پس از تکمیل مرحله کیفی، ابزار فاز دوم (پرسش‌نامه مبتنی بر مقایسه‌های زوجی روش بهترین–بدترین) در اختیار خبرگان قرار گرفت. همچنین، برای جلوگیری از اتکای صرف به ادراک خبرگان در بعد فقهی، مبانی و گزاره‌های فقهی مربوط به قرض‌الحسنه (مانند فقدان شرط زیادت، قواعد صحت قرض، حدود مشروعیت کارمزد، و الزامات اخلاقی و رفتاری) به‌صورت مستقل از متون معتبر فقهی و منابع شریعت استخراج و سپس در قالب زیرمقوله‌های قابل سنجش صورت‌بندی شد؛ نقش مصاحبه‌ها در این بعد، تکمیل، تبیین و ترجمه نهادی– عملیاتی گزاره‌های فقهی بوده است، نه تولید معیار فقهی.

در مرحله تحلیل کیفی، متن مصاحبه‌ها به‌طور مکرر بازخوانی شد و کدگذاری اولیه انجام گرفت. کدهای خام پس از چندین نوبت بازبینی، پالایش و ادغام، در قالب دسته‌های مفهومی منسجم سازمان‌دهی شد. درنهایت، ساختار مفهومی حاصل در چهار بعد ثابت (فقهی، نهادی، عملیاتی، اجتماعی) تثبیت شد که هر یک مجموعه‌ای از زیرمقوله‌های مرتبط را در

برمی‌گیرد. نهایی سازی این ابعاد و زیرمقوله‌ها بر اساس فراوانی مفهومی، انسجام درون بعدی و تأیید خبرگان انجام شد. در ادامه، شمای کلی ابعاد و زیرمقوله‌ها (تصویر ۲)، تعریف عملیاتی زیرمقوله‌ها (جدول ۳)، نمونه سنجه‌های اجرایی پیشنهادی برای هر زیرمقوله (جدول ۴)، و نتایج وزن‌دهی و رتبه‌بندی (جداول ۵ و ۶) ارائه می‌شود.

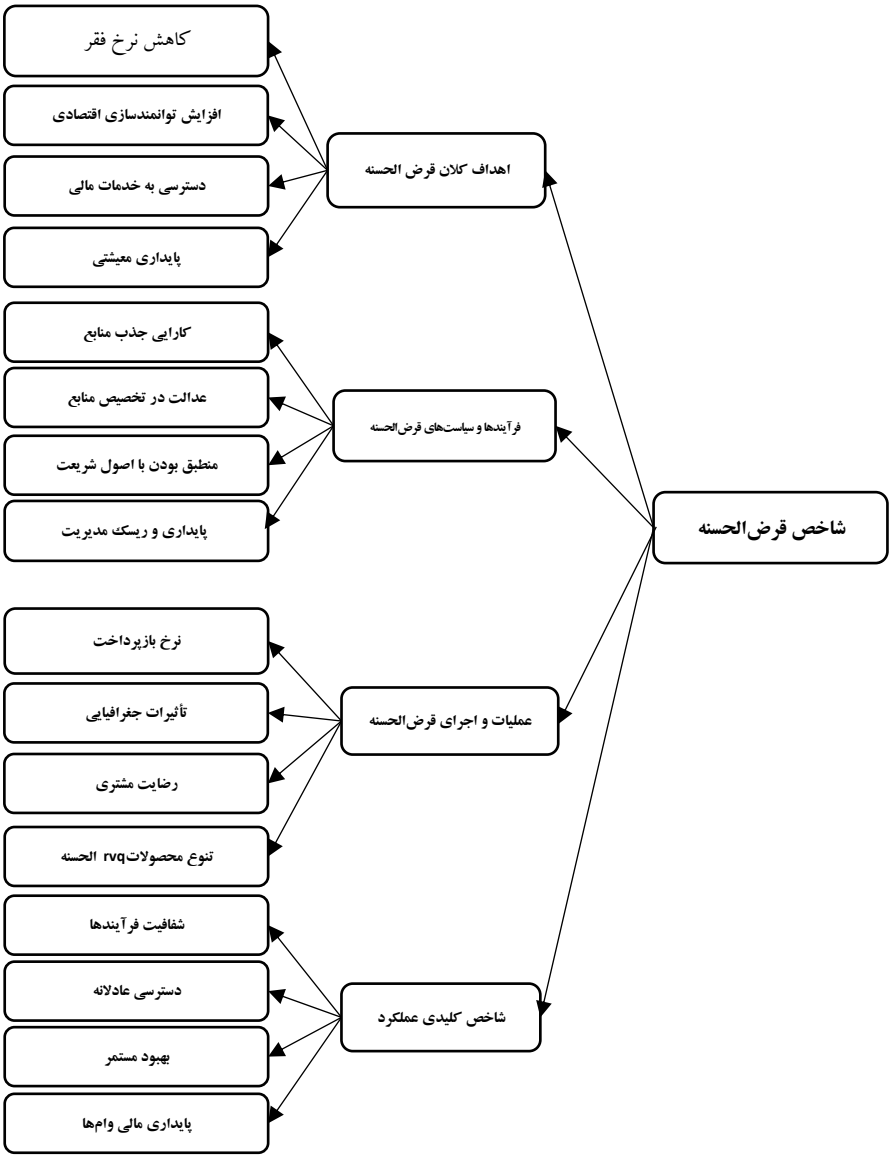

تصویر ۲. شمای کلی مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شناسایی‌شده

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۳. تعریف مقوله‌ها و زیر مقوله‌های شاخص قرض‌الحسنه

زیرمقوله	بعد	تعریف
کاهش نرخ فقر	اجتماعی	ارزیابی میزان بهبود وضعیت جمعیت زیر خط فقر ملی به‌عنوان شاخص اثربخشی اجتماعی قرض‌الحسنه
افزایش توانمندسازی اقتصادی	اجتماعی	سنجش بهبود ظرفیت کسب درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی برای دریافت‌کنندگان تسهیلات قرض‌الحسنه
دسترسی به خدمات مالی	اجتماعی	اندازه‌گیری بهبود دسترسی گروه‌های هدف به خدمات مالی مبتنی بر قرض‌الحسنه
پایداری معیشتی	اجتماعی	بررسی تداوم توان خانوارها در تأمین نیازهای اساسی پس از دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه
کارایی جذب منابع	عملیاتی	سنجش کارایی تجهیز منابع قرض‌الحسنه متناسب با مشارکت سپرده‌گذاران و سازوکارهای تجهیز منابع
عدالت در تخصیص منابع	نهادی	میزان رعایت انصاف و اولویت‌بندی نیازمحور در توزیع تسهیلات قرض‌الحسنه میان متقاضیان واجد شرایط
انطباق با اصول شریعت	فقهی	ارزیابی میزان انطباق فرایندها و محصولات قرض‌الحسنه با الزامات شرعی
پایداری و مدیریت ریسک	نهادی	توانایی نهاد مالی در کنترل ریسک‌های عملیاتی و مالی مرتبط با تسهیلات قرض‌الحسنه
نرخ بازپرداخت	عملیاتی	نسبت بازپرداخت به‌موقع به کل تسهیلات اعطایی به‌عنوان شاخص پایداری چرخه منابع
توزیع جغرافیایی تسهیلات	اجتماعی	بررسی پراکندگی مکانی تخصیص تسهیلات قرض‌الحسنه بر اساس شاخص‌های جمعیتی و منطقه‌ای
رضایت مشتری	اجتماعی	سنجش رضایت دریافت‌کنندگان تسهیلات از فرایندها، زمان‌بندی، و کیفیت خدمت‌رسانی
تنوع محصولات قرض‌الحسنه	عملیاتی	میزان تنوع ابزارها و محصولات مبتنی بر قرض‌الحسنه در شبکه بانکی
شفافیت فرایندها	نهادی	میزان دسترسی عمومی به اطلاعات، ضوابط، و رویه‌های اعطای قرض‌الحسنه
دسترسی عادلانه	اجتماعی	برابری فرصت دسترسی اقشار مختلف به منابع قرض‌الحسنه با معیارهای روشن و غیرتبعیض‌آمیز
بهبود مستمر	عملیاتی	وجود سازوکارهای اصلاح، بازخوردگیری، و ارتقای مداوم رویه‌ها و محصولات قرض‌الحسنه
پایداری مالی وام‌ها	عملیاتی	نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات قرض‌الحسنه به‌عنوان شاخص دوام مالی سبد قرض‌الحسنه

تعاریف ارائه‌شده در جدول ۳ به‌منظور حفظ قابلیت تعمیم و انعطاف در سطوح مختلف سیاست‌گذاری و اجرا، به‌صورت مفهومی و قابل عملیاتی سازی طراحی شده‌اند. این تعاریف به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در شرایط مختلف نهادی، قابلیت تطبیق و استفاده عملیاتی را دارا باشند. بااین‌حال، برای پاسخ به ضرورت سنجش‌پذیری و رفع ابهام داور درباره کارکرد عملی شاخص‌ها، نمونه سنجه‌های اجرایی پیشنهادی در جدول ۴ ارائه شد تا روشن شود هر زیرمقوله چگونه می‌تواند به داده‌های قابل اندازه‌گیری و ابزار پایش نهادی ترجمه شود. تأکید می‌شود این سنجه‌ها در این مقاله اجرا و اندازه‌گیری نشده‌اند، بلکه به‌عنوان نقشه تبدیل شاخص مفهومی به نظام ارزیابی نهادی ارائه شده‌اند.

جدول ٤. نمونه سنجه‌های اجرایی پیشنهادی برای پایش زیرمقوله‌ها

زیرمقوله	نمونه سنجه‌های اجرایی پیشنهادی
کاهش نرخ فقر	سهم تسهیلات پرداختی به دهک‌های هدف؛ نسبت وام‌های معیشتی به کل وام‌های قرض‌الحسنه؛ شاخص پوشش خانوارهای زیر خط فقر در پرتفوی
توانمندسازی اقتصادی	سهم وام‌های اشتغال خرد؛ نرخ تداوم فعالیت/ درآمدزایی (پایش پسینی با داده‌های حمایتی یا نمونه‌گیری)
دسترسی به خدمات مالی	نسبت تعداد گیرندگان تسهیلات به تعداد متقاضیان واجد شرایط؛ سهم مناطق کم برخوردار از تعداد/م بلغ
پایداری معیشتی	نرخ بازگشت به تقاضای مجدد وام معیشتی؛ شاخص تنوع مصرف وام در نیازهای ضروری (بر اساس طبقه‌بندی پرونده).
کارایی جذب منابع	رشد خالص سپرده‌های قرض‌الحسنه؛ هزینه تجهیز به ازای هر واحد منبع (هزینه عملیاتی/ منابع).
عدالت تخصیص منابع	ضریب تمرکز تسهیلات (مثلاً سهم ده درصد دریافت‌کنندگان از کل مبلغ)؛ نسبت وام‌های خرد به کل؛ شاخص رعایت اولویت‌های مصوب.
انطباق با اصول شریعت	شاخص کشف شرط ضمنی زیادت؛ انطباق کارمزد با دستورالعمل شرعی/قانونی؛ درصد پرونده‌های تأییدشده توسط ناظر شرعی/ کمیته فقهی.
پایداری و مدیریت ریسک	نسبت مطالبات سررسیدگذشته/ معوق؛ شاخص کفایت کنترل‌های داخلی؛ سهم پرونده‌های پرریسک
نرخ بازپرداخت	نرخ بازپرداخت به‌موقع؛ میانگین تأخیر؛ نسبت امهال به کل
توزیع جغرافیایی	نسبت تسهیلات به جمعیت یا تعداد شعب؛ شاخص نابرابری منطقه‌ای در تخصیص
رضایت مشتری	امتیاز رضایت در پیمایش؛ تعداد شکایت‌های ثبت‌شده؛ زمان متوسط اعطا.
تنوع محصولات	تعداد محصولات/ قالب‌های قرض‌الحسنه؛ سهم محصولات هدفمند (ازدواج، درمان، اشتغال)
شفافیت فرایندها	انتشار عمومی ضوابط؛ دسترسی برخط؛ شاخص شفافیت پرونده (ردیابی وضعیت)
دسترسی عادلانه	نسبت پذیرش پرونده‌های گروه‌های هدف؛ نرخ رد درخواست با دلایل مستند.
بهبود مستمر	وجود چرخه بازخورد رسمی؛ تعداد اصلاحات دستورالعمل؛ شاخص یادگیری سازمانی
پایداری مالی وام‌ها	نسبت مطالبات غیرجاری؛ نسبت ؛ شاخص روندی NPL درون نهادی

به‌منظور تبیین نحوه به‌کارگیری عملی شاخص طراحی‌شده در فرآیندهای نظارتی، می‌توان روند ارزیابی عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه را در چهار گام صورت‌بندی کرد. در گام نخست، داده‌های مورد نیاز هر یک از سنجه‌های اجرایی پیشنهادی از منابع موجود نظیر صورت‌های مالی بانک‌ها، سامانه‌های ثبت و مدیریت تسهیلات، گزارش‌های داخلی، داده‌های شکایات مشتریان و اطلاعات توزیع جغرافیایی استخراج می‌شود. در گام دوم، برای هر سنجه، یک نظام نمره‌دهی استاندارد (برای مثال در مقیاس صفر تا صد یا بر اساس رتبه‌های صدکی درون‌نهادی) تعریف می‌شود تا امکان مقایسه‌پذیری و پایش روندی فراهم گردد. در گام سوم، نمرات به‌دست‌آمده با استفاده از وزن‌های محاسبه‌شده از طریق روش بهترین– بدترین تجمیع شده و امتیاز هر زیرمقوله، هر بعد و درنهایت امتیاز کل عملکرد قرض‌الحسنه در سطح نهادی محاسبه می‌شود. در گام چهارم، خروجی شاخص می‌تواند به‌صورت رتبه‌بندی بانک‌ها، شناسایی نقاط ضعف و گلوگاه‌های عملکردی، و تولید هشدارهای نظارتی برای نهاد ناظر مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب، شاخص پیشنهادی از سطح مفهومی فراتر رفته و قابلیت تبدیل به یک ابزار پایش نهادی و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد را دارا می‌شود، بدون آن‌که در این پژوهش ارزیابی تجربی عملکرد بانک‌ها انجام شده باشد.

نتایج حاصل از اجرای روش بهترین–بدترین نشان می‌دهد که مقوله‌ها از منظر خبرگان اهمیت یکسانی ندارند. طبق جدول ۵، «اهداف کلان قرض‌الحسنه» بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است؛ بدین معنا که خبرگان، کارکردهای اجتماعی–اقتصادی قرض‌الحسنه را به‌عنوان محور اصلی ارزیابی عملکرد آن می‌دانند. این یافته نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای است که به اهدافی همچون کاهش فقر، توانمندسازی اقتصادی و ارتقای دسترسی به خدمات مالی در قالب قرض‌الحسنه داده می‌شود. پس‌ازآن، مقوله «فرایندها و سیاست‌های قرض‌الحسنه» و سپس «عملیات و اجرای قرض‌الحسنه» در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده توجه به فرآیندهای شفاف و منطبق با اصول شریعت در تخصیص منابع است. درنهایت، «شاخص‌های کلیدی عملکرد» کمترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند که بیانگر اهمیت کمتر از نظر خبرگان در ارزیابی‌های اجرایی و سنجش عملکرد عملیاتی است. این نتیجه به معنای کم‌اهمیتی سنجه‌های اجرایی نیست، بلکه نشان می‌دهد خبرگان در سطح

طراحی شاخص، ابتدا «هدف و حکمرانی» را مقدم بر «سنجش‌های فنی» دانسته‌اند؛ درحالی‌که سنجه‌ها در مرحله اجرا برای پایش ضروری خواهند بود (در ارائه اعداد، وزن‌ها برای سازگاری جمعی نرمال‌سازی شده‌اند).

جدول ۵. وزن مقوله‌های شاخص قرض‌الحسنه

مقوله	وزن نسبی	اولویت
اهداف کلان قرض‌الحسنه	۰٫۵۱۰	۱
فرایندها و سیاست‌های قرض‌الحسنه	۰٫۲۴۶	۲
عملیات و اجرای قرض‌الحسنه	۰٫۱۶۹	۳
شاخص‌های کلیدی عملکرد	۰٫۰۷۵	۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵ وزن‌دهی و رتبه‌بندی زیرمقوله‌ها را در دو سطح نشان می‌دهد:

۱) «وزن نسبی زیرمقوله» (اهمیت هر زیرمقوله در داخل همان مقوله) که درون هر مقوله نرمال‌سازی شده است.

۲) «وزن نهایی» که از حاصل‌ضرب وزن مقوله (جدول ۵) در وزن نسبی زیرمقوله به دست می‌آید و مبنای «اولویت نهایی» کل زیرمقوله‌هاست. به‌این‌ترتیب، ناهماهنگی تفسیری میان «وزن نهایی» و «اولویت نهایی» رفع و رتبه‌بندی بر مبنای ترتیب نزولی وزن‌های نهایی بازتعیین شد.

جدول ٦. وزن مقوله‌ها و زیر مقوله‌های شاخص قرض‌الحسنه

مقوله	زیرمقوله	وزن نسبی زیرمقوله	وزن نهایی	اولویت نسبی زیرمقوله	اولویت نهایی
اهداف کلان قرض‌الحسنه	کاهش نرخ فقر	۰٫۴۲۳	۰٫۲۱۵	۱	۱
	افزایش توانمندسازی اقتصادی	۰٫۲۴۹	۰٫۱۲۷	۲	۲
	پایداری معیشتی	۰٫۲۳۵	۰٫۱۲۰	۳	۴
	دسترسی به خدمات مالی	۰٫۰۹۴	۰٫۰۴۸	۴	۸
فرایندها و سیاست‌های قرض‌الحسنه	عدالت در تخصیص منابع	۰٫۴۹۸	۰٫۱۲۲	۱	۳
	کارایی جذب منابع	۰٫۲۱۰	۰٫۰۵۱	۲	۶
	پایداری و مدیریت ریسک	۰٫۱۷۵	۰٫۰۴۳	۳	۹
	انطباق با اصول شریعت	۰٫۱۱۷	۰٫۰۲۹	۴	۱۲
عملیات و اجرای قرض‌الحسنه	نرخ بازپرداخت	۰٫۴۰۰	۰٫۰۶۸	۱	۵
	رضایت مشتری	۰٫۳۰۰	۰٫۰۵۱	۲	۷
	توزیع جغرافیایی تسهیلات	۰٫۲۰۰	۰٫۰۳۴	۳	۱۱
	تنوع محصولات قرض‌الحسنه	۰٫۱۰۰	۰٫۰۱۷	۴	۱۴
شاخص‌های کلیدی عملکرد	دسترسی عادلانه	۰٫۴۸۵	۰٫۰۳۶	۱	۱۰
	شفافیت فرایندها	۰٫۲۵۴	۰٫۰۱۹	۲	۱۳
	پایداری مالی وام‌ها	۰٫۱۶۹	۰٫۰۱۳	۳	۱۵
	بهبود مستمر	۰٫۰۹۲	۰٫۰۰۷	۴	۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

بر این اساس، در سطح اولویت نهایی، «کاهش نرخ فقر» در رتبه نخست قرار گرفته است که نشان می‌دهد از منظر خبرگان، اثرگذاری اجتماعی قرض‌الحسنه همچنان نقطه کانونی شاخص ارزیابی است. پس‌ازآن، «افزایش توانمندسازی اقتصادی» و «عدالت در تخصیص منابع» جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند که دلالت بر اهمیت هم‌زمان پیامدهای اجتماعی و کیفیت سازوکار تخصیص دارد. همچنین «نرخ بازپرداخت» در میان زیرمقوله‌های فاز عملیاتی در رتبه بالاتر قرار گرفته است که نشان می‌دهد خبرگان، پایداری چرخه منابع و امکان تداوم اعطای تسهیلات را به‌عنوان شرط کارایی نهادی قرض‌الحسنه لحاظ کرده‌اند. مجموع نتایج بیانگر آن است که الگوی ترجیحات خبرگان هم‌زمان بر ۱) اثرگذاری اجتماعی، ۲) عدالت و حکمرانی تخصیص، ۳) پایداری چرخه منابع، و ۴) انطباق فقهی تمرکز دارد. این چهارگانه دقیقاً همان مبنایی است که شاخص پیشنهادی را از یک فهرست عمومی شاخص‌ها به یک چارچوب ارزیابی نهادی قابل پایش تبدیل می‌کند. بدیهی است در تسهیلات قرض‌الحسنه، سازوکارهایی مانند امهال، بخشودگی و ملاحظات حمایتی می‌تواند بر شاخص مطالبات غیرجاری اثرگذار باشد؛ ازاین‌رو، زیرمقوله «پایداری مالی وام‌ها» به‌عنوان شاخصی نسبی برای مقایسه درون‌نهادی و پایش روندها تلقی می‌شود، نه معیار مطلق ارزیابی عملکرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با هدف طراحی و تبیین یک چارچوب شاخص‌محور سنجش‌پذیر برای ارزیابی عملکرد تسهیلات قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا، مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اساسی این نهاد مالی–اجتماعی شناسایی و اولویت‌بندی شد. یافته‌ها بر پایه یک فرآیند ترکیبی کیفی–کمی، شامل تحلیل محتوای نظام‌مند دیدگاه‌های خبرگان و وزن‌دهی سازگار معیارها با استفاده از روش تصمیم‌گیری بهترین–بدترین است. بر این اساس، خروجی پژوهش صرفاً به شناسایی شاخص‌ها یا تعیین وزن آن‌ها محدود نمی‌شود، بلکه چارچوبی تحلیلی برای ارزیابی نهادی قرض‌الحسنه ارائه می‌دهد که قابلیت تبدیل به ابزار پایش و مقایسه عملکرد را داراست. نتایج نشان می‌دهد که منطق ارزیابی قرض‌الحسنه بانکی صرفاً مبتنی بر شاخص‌های

مالی یا کارایی عملیاتی نیست، بلکه در وهله نخست بر تحقق اهداف کلان اجتماعی و عدالت‌محور استوار است.

با اتکا به این چارچوب، دلالت‌های سیاستی یافته‌ها برای نهادهای مختلف نظارتی و اجرایی قابل تبیین است؛ به‌گونه‌ای که شاخص‌های پیشنهادی می‌توانند مبنای طراحی، پایش و بازنگری سیاست‌ها در سطوح مختلف نهادی قرار گیرند. در این راستا، مجلس و دولت می‌توانند از ساختار شاخص‌محور ارائه‌شده برای تدوین یا اصلاح قوانین و دستورالعمل‌های ناظر بر حوزه قرض‌الحسنه و الزام به گزارش‌دهی منظم عملکردی استفاده کنند. بانک مرکزی می‌تواند این شاخص‌ها را در ارزیابی تطبیقی عملکرد بانک‌ها، رتبه‌بندی درون‌گروهی و شناسایی گلوگاه‌های تخصیص منابع قرض‌الحسنه به کار گیرد. همچنین بانک‌ها و بانک‌های قرض‌الحسنه می‌توانند از چارچوب شاخص‌محور حاضر به‌عنوان ابزار پایش درون‌نهادی، بهبود فرآیندهای تخصیص منابع و ارزیابی اثرگذاری اجتماعی و عملیاتی تسهیلات بهره ببرند. در این چارچوب، پیشنهادهای سیاستی مقاله نقش «ورودی تحلیلی» در طراحی سیاست‌ها و سازوکارهای نظارتی را ایفا می‌کنند و به‌طور مستقیم جایگزین تصمیم‌گیری اجرایی نمی‌شوند.

بر اساس نتایج وزن‌دهی، مقوله «اهداف کلان قرض‌الحسنه» بالاترین اهمیت نسبی را در ساختار شاخص به خود اختصاص داده است. این یافته بیانگر آن است که از منظر خبرگان، موفقیت قرض‌الحسنه بانکی بیش از آن‌که به حجم تسهیلات یا تعداد وام‌های اعطایی وابسته باشد، به میزان اثرگذاری آن در کاهش فقر، توانمندسازی اقتصادی، پایداری معیشتی و گسترش دسترسی به خدمات مالی مرتبط است. برتری این مقوله در ساختار شاخص بدین معناست که در فرآیند ارزیابی نهادی، اهداف اجتماعی باید به‌عنوان معیار مرجع تفسیر عملکرد مدنظر قرار گیرند و سایر ابعاد در نسبت با آن‌ها سنجیده شوند. این اولویت‌بندی مستقیماً بازتاب وزن‌های نهایی استخراج‌شده از قضاوت خبرگان در فرآیند تصمیم‌گیری چندمعیاره است.

در سطح نهادی، مقوله «فرایندها و سیاست‌های قرض‌الحسنه» و به‌ویژه زیرمقوله «عدالت در تخصیص منابع» نقش محوری در پشتیبانی از تحقق اهداف اجتماعی ایفا می‌کند. این نتیجه دلالت بر آن دارد که بدون طراحی قواعد شفاف، منصفانه و منطبق با اصول شریعت

در تخصیص منابع، حتی اهداف کلان قرض‌الحسنه نیز در معرض تضعیف قرار می‌گیرند. از منظر ارزیابی، این مقوله امکان تمرکز نهاد ناظر بر کیفیت حکمرانی تخصیص، شفافیت رویه‌ها و میزان انطباق تصمیم‌ها با اولویت‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. هم‌زمان، یافته‌های مربوط به مقوله «عملیات و اجرای قرض‌الحسنه» نشان می‌دهد که پایداری این نهاد مستلزم توجه توأمان به ملاحظات اجتماعی و الزامات اجرایی است؛ به‌گونه‌ای که شاخص‌هایی مانند نرخ بازپرداخت، نه به‌عنوان معیار سودآوری، بلکه به‌عنوان شرط تداوم چرخه منابع و امکان استمرار اعطای تسهیلات، در کنار اهداف عدالت‌محور معنا می‌یابند.

درمجموع، برآیند یافته‌ها حاکی از آن است که قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا باید به‌عنوان نهادی چندبعدی تحلیل شود که ارزیابی عملکرد آن نیازمند تلفیق اهداف اجتماعی، طراحی نهادی، کارایی اجرایی سازوکارهای سنجش‌پذیر و قابل پایش است. نوآوری اصلی پژوهش حاضر در ارائه یک چارچوب شاخص‌محور وزن‌دار نهفته است که ضمن حفظ سازگاری با مبانی فقهی قرض‌الحسنه، امکان ترجمه شاخص‌های مفهومی به یک نظام ارزیابی نهادی را فراهم می‌کند؛ بدون آن‌که مدعی ارائه نسخه اجرایی کوتاه‌مدت، تعیین سنجه‌های عملیاتی جزئی یا ارزیابی تجربی عملکرد بانک‌ها باشد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه است. اتکای داده‌ها به قضاوت خبرگان ماهیتی تفسیری دارد و تمرکز مطالعه بر بستر نهادی بانکداری بدون ربا ایران، تعمیم نتایج را به سایر کشورها منوط به ملاحظات نهادی و مقرراتی می‌سازد. افزون بر این، اگرچه چارچوب شاخص‌محور و منطق ارزیابی نهادی در این پژوهش تبیین شده است، شاخص پیشنهادی بر داده‌های عملکرد واقعی بانک‌ها اعمال نشده و بر این اساس، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با بهره‌گیری از داده‌های کمی بانکی و آزمون شاخص در سطوح بین‌بانکی یا بین‌کشوری، کارکرد عملی این چارچوب را در پشتیبانی از تصمیم‌های نهاد ناظر و سیاست‌گذار پولی به‌صورت تجربی مورد بررسی قرار دهند.

کتابنامه

ادراکی، آسیه؛ عمادی سیدجواد و جعفری، مهدی (۱۴۰۲). تأثیر تسهیلات قرض‌الحسنه بر متغیرهای کلان اقتصادی. *نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۵(۱)، ۱۲۳-۱۴۸.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *تسنیم*. قم: انتشارات اسراء.

جوزی‌زاده، منا؛ یزدانی، ناصر و شیخ، محمدجواد (۱۳۹۶). قرض‌الحسنه و بانکداری قرض‌الحسنه در آینهٔ مطالعات؛ مروری بر مطالعات تخصصی قرض‌الحسنه. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۶(۱۹)، ۱۹۷-۲۲۷.

حکیمی‌پور، نادر (۱۳۹۷). ارائه شاخص ترکیبی ارزیابی بانکداری اسلامی: مطالعه موردی بانک‌های ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۲)، ۱۵۱-۱۸۲.

سیدنورانی، سید محمدرضا؛ علیزاده، امیرخادم و رضوانی، سیدعلی (۱۳۹۶). طراحی شاخص ترکیبی بانکداری اسلامی در ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۷(۶۸)، ۱۱۹-۱۵۱.

سیدنورانی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۶). *رویکرد فقهی در بانکداری اسلامی: مفاهیم و اصول*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

طغیانی، مهدی و صادق‌پور، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی فقهی کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۵(۱۵)، ۷-۲۱.

عرب‌مازار، عباس (۱۳۸۵). اندیشه جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۶(۲۲)، ۱۳.

قائمی‌اصل، مهدی و خلجی پیر بلوطی، زهرا (۱۴۰۰). طراحی مکانیسمی برای ایجاد اتحادیه قرض‌الحسنه مبتنی بر فنّاوری‌های نوین مالی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۲۱(۸۱)، ۳۱-۶۳.

کریپندورف، کلوس (۱۳۸۸). *تحلیل محتوا؛ مبانی روش‌شناسی*. مترجم: هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.

محقق، محمدجواد (۱۳۹۰). درآمدی بر تدوین شاخص ربا در بانکداری اسلامی. *نشریه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۲(۲)، ۵۷.

محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۹). بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران. *نشریه معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱(۱)، ۱۴۱.

محقق‌نیا محمدجواد؛ سیلس‌پور، حسین و احمدی، شیما (۱۴۰۱). طراحی شاخص عدالت در بانکداری اسلامی با رویکرد تحلیل محتوا و روش تصمیم‌گیری فازی. *نشریه تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۲(۲)، ۲۶۶-۳۰۶.

محقق‌نیا، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۴). *درآمدی بر شاخص‌های بانکداری اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰). ارزیابی اثر فضای تورمی حاکم بر اقتصاد کشور بر عرضه وجوه قرض‌الحسنه. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۰(۳۷)، ۷-۲۶.

موسویان، سیدعباس و کشاورزیان، احمد (۱۳۹۹). اصول فقهی و طبقه‌بندی قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۷۸، ۹۵-۱۲۵.

موسویان، سید عباس و کشاورزیان، اکبر (۱۳۹۹). مبانی فقهی و موضوع شناسی کارمزد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۷۸)، ۹۵-۱۲۵.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۷۶). درآمدی بر جایگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه مفید، ۶۶.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر و عرب بافرانی، بهنام (۱۳۹۵). بررسی مزایا و آثار اجتماعی و اقتصادی اوراق قرض‌الحسنه. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۵(۱۶)، ۷-۳۶.

یزدانی، مریم (۱۳۹۰). قرض‌الحسنه و نقش آن در رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی. *مجله اقتصادی*، ۱۱(۵)، ۲۹.

Aderemi, A. M. R., & Ishak, M. S. I. (2023). Qard Hasan as a feasible Islamic financial instrument for crowdfunding: its potential and possible application for financing micro-enterprises in Malaysia. *Qualitative Research in Financial Markets*, 15(1), 58-76.

Ahmad, E., Azami, A. R., & Siraj, M. B. (2024). A comprehensive review of Non-Interest Banking in India: Requirements. *Potential, and Hurdles*.

Ahmed, M. M., & Bukhari, S. N. B. (2015). The Concept of Qarz-ul-Hasan and its Practices in Islamic Banking Industry of Pakistan. *Management*, 8 (2), 171-184.

Arab Mazar, Abbas; Keiqhobadi, Saeid (2006). The Position of Qurd ul Hasaneh in Iran Islamic Banking, *Islamic Economy*, 6(22), 13. *(In Persian)*.

Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2017). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Sage publications.

Edraki. Asiyeh; Jafari, Mahdi &, Emadi Seyed, Javad (2023). The effect of Qarz al-Hasna facilities on macroeconomic variables, *Journal of Islamic Economics Studies*, 15(1), 123-148. (In Persian).

Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*. 62 (1), 107-115.

Farabi, Hero; Torabi, Omid (2015). The Comparison between Islamic Banking in Iran with other Countries of the World, *Journal of Studies in Banking Management and Islamic Banking*, 1(1), 129-167. (In Persian).

Fatemi, F. (2015). *Fiqh and Qard-al-Hasan policies in Islamic countries*. Oxford: Oxford University Press.

Ghaemi Asl, Mahdi; Khalaji Pirbalooti, Zahra (2021). Designing a Process for Creation of Interest-Free Smart Syndicate Based on Financial Modern Technologies, *Islamic Economy*, 21(81), 31-63. *(In Persian).*

Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA: Sociology Press.

Hadavi Nia, A. A. (1997). An Introduction to the Position of Qard al-Hasan in Islam and Its Economic Effects (Master's thesis). Mofid University, p.66. (*In Persian*).

Hadaviniya, A. A. (2017). The study of economic and social advantages and effects of Qarz al-Hassaneh in the Islamic economics, *Islamic Economics & Banking*, 6(19), 229-247. *(In Persian).*

Hakimipoor, Nader (2019). Providing Composite Index Assessment for Islamic Banking: The Case of Iranian Banks, *Islamic Economy*, 18(72), 151-182. *(In Persian).*

Hassan, M. K. (2013). Introduction to Islamic Banking and its Principles. Pearson Education.

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research*, 15 (19), 1277-1288.

Javadi Amoli, A. (2006). *Tasnim*. Qom: Esraa Publications.

Jozizade, M. (2017). A review of Specialized Qard-alhasan Studies, *Islamic Economics & Banking*, 6(19), 197-227, *(In Persian*).

Krippendorff, K. (2008). *Content Analysis; Fundamentals of Methodology* (*Hoshang Nayebi, Translator*). Iran, Tehran: Ney. *(In Persian*).

Mohagheghnia, MohammadJavad; Seilsepoor, Hossein; Ahmadi, Shima (2023). Designing Justice Index in Islamic Banking with Content Analysis Approach and Fuzzy Decision Making Method, *Islamic Financial Research*, 12(2), 266-306. *(In Persian).*

Mohaqeq Nia, Mohammad Javad (2010). Assessment of Qard-al-hasane Deposits and Loans in the Banking System of Iran (1984-2007), 1(1), 141. (In Persian).

Mohaqqeq, Mohammad Javad (2011). A Prelude to Designing a Usury Indicator for Islamic Banking, 2(2), 57. *(In Persian).*

Mohegh Niya, Mohammad Javad et al. (2015). *An Introduction to Islamic Banking Indicators*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. (*In Persian*).

Mousavian, S. A. & Keshavarzian, A. (2020). The Fiqh principles and classification of Qard-al-Hasan in Iranian banking system. *Journal of Islamic Economics*, 78, 95–125. (In Persian).

Mousavian, Seyyed Abbas; Keshavarzian, Akbar. (2020) Jurisprudential Foundations and Subject Study of Qard Al-Hasanah Commission in the Iranian Banking System. *Islamic Economics Quarterly*, Vol. 20, (78), 95-125. *(In Persian).*

Mozayani, Amir H. (2022). Assessing the Effect of Inflationary Atmosphere of Iran's Economy on the Supply of Qarz-ol-Hasna Deposits, *Islamic Economics & Banking*, 10(37), 7-26. *(In Persian*).

Nazarpour, M. T., Eshraghi, F., & Khajeh Saeed, Z. (2013). The effect of Islamic banking and economic growth on poverty and economic inequality in selected Islamic countries. *Journal of Quantitative Studies in Management*, 13, 45-61. (*In Persian).*

Nugraheni, P., & Muhammad, R. (2023). The optimisation of Qardhul Hasan management in Islamic banking: enhancing its role in empowering the community. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*.

Oladimeji, M. A. (2016). Practical Operations of Islamic and Conventional Banking Systems: Cost of Financing (Qard Al-Hassan) Analysis.

Rachmawaty, R., Zaerofi, A., & Jati, W. (2021). Implementation model of qard al hasan for Indonesian Islamic banking. Al-Infaq: *Jurnal Ekonomi Islam*, 12(2), 199-211.

Rezaei, J. (2015). Best-worst multi-criteria decision-making method. *Omega*. 53, 49–57. https://doi.org/10.1016/j.omega.2014.11.009

Saunders, M., Lewis, P., & Thornhill, A. (2016). *Research methods for business students*. Pearson education

Selim, M., & Hassan, M. K. (2020). Qard-al-Hasan-based monetary policy and the role of the central bank as the lender of last resort. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 11(2), 326-345.

Seyed Norani, S. (2017). *Fiqh approach in Islamic banking: concepts and principles*. Tehran: Imam Sadiq University Press. (In Persian).

Seyednourani, Seyed Mohammad Reza; Alizadeh, Amir Khadem; Rezvani,Seyed Ali (2018). Designing a combined Islamic banking index in Iran Banking System, *Islamic Economy*, 17(68), 119-151. *(In Persian).*

Shaikh, I. M., Amin, H., & Ashiqin, N. (2024). Millennials' acceptance towards Qard al-hasan: extending Islamic theory of consumer behaviour. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*.

Strauss, L. (1996). *Natural law and history, translated by Baqer Parham.* Tehran: Agah Publications. (*In persian*)

Tavakoli, Mohammad Javad; Karimi,Abdulkhalegh (2015). The Islamic Banking Index, 6(1), 71. *(In Persian).*

Toghyani, M.; Sadeghpour,F. (2016). A Judicial Review of Gharzolhasane Loan Fees, *Islamic Economics & Banking*, 5(15), 7-21. *(In Persian).*

Yazdani, M. (2011). Qard al-Hasan and its role in meeting social and economic needs. *Economic Journal*, 11(5), 29. *(In Persian).*